

متن سخنرانی رفیق خاوری در چارچوب دیدار نمایندگان احزاب و جنبشها در مسکو

روزنامه "پراودا"، ارگان حزب کمونیست شوروی، روز یازدهم نوامبر در ادامه انتشار متن سخنرانی های فرستادگان احزاب و جنبش ها به گردهم آیی مسکو، سخنرانی رفیق علی خاوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، و رفیق فرخ نکهدار، دبیر اول کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را به چاپ رسانده است.
متن کامل سخنرانی رفیق علی خاوری بقرار زیر است:

رفیق ارجمند گارباچف!
رفقا و دوستان گرامی!

پیش از هر چیز اجازه بدهم بنام حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران، به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، همه کمونیست های شوروی و خلق برادر شوروی، همتادمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را که این روزها تمام بشریت ترقی خواه از آن یاد می کنند، شادباش بگویم.
پیروزی تاریخی اکتبر، دنیای قدیم، دنیای برده سازی، بهره کشی انسان از انسان و جنگ ها را از دنیای نوین که برای خلق ها آزادی ملی و صلح به همراه آورد بروشنی جدا کرد.
اکتبر و زاده اش، اتحاد شوروی، طبقه کارگر و توده زحمتکشان را که آفرینندگان ارزش های مادی و معنوی بقیه در ص ۲



شماره ۸۱ دوره هشتم
سال چهارم سه شنبه ۱۳۶۶/۸/۲۶
بهاء ۳۰ ریال

هشدار!

ما به همه رفقای حزبی و دیگر عناصر انقلابی و دمکراتیک هشدار میدهم، که رژیم خمینی شرایط یورش گسترده دیگری به زندانیان سیاسی و توده ای های دربند را فراهم می سازد. باید از همه امکانات موجود بهره جست و با بسیج افکار عمومی در داخل و خارج کشور این دسیسه تبهکارانه را افشا و از تحقق آن جلوگیری کرد. باید از مقامات و سازمان های بین المللی خواست تا با گسیل هیئت های بی طرف قضائی و پزشکی به ایران به شرایط غیر انسانی زندان ها رسیدگی کنند و خواهان قطع شکنجه و اعدای آزادی بیدرتک همه زندانیان سیاسی شوند.

خبرهایی، که از زندان ها می رسد، بسیار نگران کننده است. در پی اعتصابات و دیگر نمایش های اعتراضی توده ای های اسپر و سایر مبارزان انقلابی، رژیم سرکوبگر باردیکر آزار، شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی را تشدید کرده است. در این کارزار تدارک "شو" ها و "اعترافات" جدید تلویزیونی، بویژه با شرکت توده ای های دربند نقشی کلیدی را حائز است. رفقای را، که حاضر به شرکت در این مضحکه ها نیستند، تهدید به اعدام و در مواردی مشخص نیز به این تهدید عمل کرده اند.

"ایران گیت" و "ایران گیت ها"

روند هنوزم ادامه دارد. اما واقعیت این است که از فردای آغاز جنگ عراق و ایران، مجموعه ای از انحصارات امپریالیستی و موسسات دولتی و خصوصی در جهان فروش مخمیانانه انواع سلاحها به ایران را به عهده گرفتند. ماجرای "ایران گیت" نیز مانع از سرازیر شدن بیش از پیش این سلاحها به ایران نشد.
به موازات "اختراعات" و "ابداعات" جدید بقیه در ص ۲

"یکی از موفقیتهای بزرگ انقلاب و ج.ا. رساندن صنایع سنگین و بویژه صنایع نظامی کشور به سطح مطلوب خودکفایی است". این ادعا چند سالی است جای خاصی در گفته ها و تبلیغات گردانندگان رژیم ج.ا. باز کرده است.
رژیم "حامی مستضعفان" به خیال خام خود تصور می کرد، می تواند با تبلیغات سراپا دروغ خود مردم داغدیده و جنگ زده کشورمان را به دستاوردهای دروغین باصطلاح "جوانان متعهد" در زمینه یادشده امیدوار کند. اما افشای ناکهانی ماجرای "ایران گیت" و زدوبندهای پنهانی سران مرتجع رژیم با "شیطان بزرگ و اذناش"، از جمله اسرائیل، رژیم را رسوا ساخت.
رژیم فریبکار تلاش وسیعی بکار بست تا مسئله را بی اهمیت جلوه دهد. قراردادهای چندمیلیاردی را در حرف به "۲-۳ میلیون دلار" کاهش دادند، گرفتن لوازم ضد هوایی و ویدکی های هواپیماهای شکاری فانتوم و اف-۱۴ از امریکا و اسرائیل را کتمان کردند و مراکز چندگانه اختراع "سلاح جدیدی"، که دنیا از آن بی خبر است، را به اطلاع مردم کشورمان رساندند. این

نقد رژیم صهیونیستی - امپریالیستی

اسرائیل در ادامه جنگ

"نهادهای دفاعی اسرائیل... جنگ خلیج را بذفع خود می دانند" (انترنشنال هرالڈ تریبون - ۲۰ اکتبر ۸۷).
این گفته اسحاق رابین، وزیر دفاع اسرائیل، است و از آن نباید سرسری گذشت.
در فراسوی این سخنان باید منافع غارتگرانه و عملکرد دسیسه آمیز رژیم اسرائیل و متحدان جهانی اش را دید. هیچ کس نمی تواند این واقعیت مسلم را انکار کند، که جنگ ایران و عراق از آغاز تا امروز همواره در خدمت تامین منافع امپریالیسم و صهیونیسم، متحد استراتژیک آن و ارتجاع منطقه، خواه در کوتاه مدت و خواه در دراز مدت، بوده و هست و تا زمانی، که آتش آن شعله ور باشد، بسود آنها و به زیان خلتهای منطقه خواهد بود. از اینروست، که امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و صهیونیسم از هیچ تلاش و توطئه ای برای ادامه این جنگ بیهوده بمنظور بهره برداری هر چه گسترده تر از آن دریغ نمی ورزند.

اینکه "نهادهای دفاعی" اسرائیل جنگ ایران و عراق را به نفع خود می بیند، به هیچ روی شکفت آور نیست (اگر چه رژیم زیر شعار عوامفریبانه "از برای فتح قدس از کربلا باید گذشت" به جنگ ادامه می دهد. نفع اسرائیل نه تنها شکفت آور نیست، بلکه عین واقعیت و افشاگر یوچ بودن ماهیت تبلیغات رژیم جمهوری اسلامی پیرامون "مبارزه جویی ضد صهیونیستی" آنست. اسرائیل تا آنجا این جنگ را به نفع خود می داند که حاضر می شود از یکسورتش واسطه تحویل سلاح از آمریکا به جمهوری اسلامی را ایفا کند و از سوی دیگر خود، به تناوب، از راههای گوناگون سلاح و ساز و برگ نظامی در اختیار رژیم بگذارد. چرا؟ آیا اسرائیل میخواهد "دشمنان" خود را تعزیت کند؟

بقیه در ص ۲

در صفحات بعد

* بحران دردانشگاههای ایران

در ص ۶

* کشورهای ازبند رسته

در مرحله کنونی

در ص ۴

فقر رژیم صهیونیستی ...

اگر رژیم اسرائیل جنگ ایران و عراق را به نفع خود می‌داند، بخاطر آنستکه این رژیم در پشت شعله‌های روشن آن، و به پشتیبانی امپریالیسم آمریکا، زمینه مناسبی برای دنبال کردن سیاست تجاوزگرانه و توسعه طلبانه خود یافته است. زمینه مناسبی که دو جزیر اهمیت آن عبارتند از:

- انحراف افکار عمومی جهانیان از توطئه پردازیهای خونبار اسرائیل و معطوف کردن توجه آنها عمدتاً به جنگ ایران و عراق و تشنجات خلیج فارس،

- تفرقه و چندپارچگی در جبهه متحد ضد صهیونیستی اعراب که یکی از علل تشدید آن جنگ ایران و عراق است. اگر اسرائیل جنگ ایران و عراق را به نفع خود می‌داند و برای ادامه حتی یک روز بیشتر آن از هیچ اقدام و دیسیه‌ای کوتاهی نمی‌کند، بخاطر آنستکه از جمله در پشت پرده دود این جنگ توانسته است با همکاری و همدستی امپریالیسم آمریکا همچنان نقش سرگوبگرانه خود علیه جنبش‌های آزادیبخش خلت‌های عرب منطقه، بویژه خلت‌های فلسطین و لبنان، را اجرانماید، با نادیده انگاشتن حقوق مشروع خلق فلسطین، حضور خونین خود را در سرزمینهای اشغالی خلق فلسطین حفظ کند و بیش از ۵ میلیون فلسطینی را از زندگی در سرزمین آبائی خویش محروم نگهدارد، بخاطر آنستکه همچنان می‌تواند با در جنگ نگه داشتن سرزمینهای اشغالی اعراب، مانند بلندیهای جولان و بخشی از جنوب لبنان، هر چند یکبار در راستای پیشبرد هدف شوم خود، یعنی خلق کشی و نابود سازی جسمانی فلسطینی‌ها، اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی را در لبنان بمباران کند و صدها و هزارها خانوار را به عزا بنشاند، در عین حال در سطح بیسایته‌ای به برپائی آبادیها و ماندگاه‌های یهودنشین در سرزمینهای اشغالی برای "همیشگی" ساختن دست اندازی بر آنها بپردازد.

اگر اسرائیل در بیش از هفت سالی، که تنور جنگ ایران و عراق روشن است، آنرا بسود خود می‌داند، بخاطر آنستکه در این سالها در همیپوندی جدائی‌ناپذیر با امپریالیسم آمریکا به یکی از بزرگترین صادر کنندگان جنگ افزار تبدیل شده است. شایان ذکر است، که اسرائیل در اواخر دهه هفتاد ۱۰۰ میلیون دلار سلاح به کشورهای گوناگون می‌فروخت، در حالی که امروز بر پایه برآوردهای مختلف، ارزش فروش سلاحهایش به ۲۵۰-۱۵۰ میلیون دلار رسیده است. در این رابطه بجاست دو نکته را خاطر نشان سازیم:

التمد اسرائیل، بنا به وضعیت خاص سیاسی خود، بعنوان عضو جدائی‌ناپذیر بیکر امپریالیسم جهانی، در چارچوب عملیات سری و استراتژیک امپریالیسم برای فروش و تحویل جنگ افزار نقش بسیار مهمی بعهده دارد. نقش اسرائیل در ماجرای "ایران گیت" نمونه‌ای از عملکرد آن بود. در این پیوند، شیون پرز، وزیر امور خارجه

"ایران گیت" ...

"برادران متعهد و مومن" در سپاه و ارتش در زمینه ساخت انواع سلاحها، و از آن جمله خمپاره، یدکی‌های هواپیماهای اف-۴ و اف-۱۴، تانکهای مدرن، قایق‌های تندرو و حتی زیردریایی و ... "ایران گیت" های جدید و جدیدتری در بسیاری از کشورهای سرمایه‌داری افشا شد. معلوم شد که "ابداع" سران ج.ا. و

اسرائیل، نیز آشکارا، در پارلمان اسرائیل، پذیرفت که کشورش واقعا کانال سری تحویل جنگ افزار آمریکایی به ایران بوده است.

ب- از نقطه نظر سیاسی، تجارت اسلحه یکی از موثرترین اهرمهای گسترش نفوذ صهیونیستها و تحکیم مواضعشان در کشورهای خریدار بحساب می‌آید.

پس از گذشت نزدیک به ۱۰ سال از بند و بست نافرجام "کمپ دیوید" و دیگر طرحها و تلاشهای نازای "صلح سازی" آمریکا- اسرائیل، اکنون زمینه‌های به نسبت مساعدی برای اجرای پیشنهاد برپائی یک کنفرانس بین‌المللی برای حل بحران خاورمیانه با شرکت همه طرفین ذینفع، از جمله سازمان آزادیبخش فلسطین، بعنوان یگانه نماینده قانونی و راستین خلق فلسطین، فراهم گردیده است. در حال حاضر، علاوه بر استقبال بین‌المللی از این پیشنهاد، طبق نظریسی، حتی در خود اسرائیل هم ۵۲ درصد مردم، از آن پشتیبانی می‌کنند. در پارلمان اسرائیل بر سر این پیشنهاد اختلاف نظر وجود دارد و جنبش "صلح هم اکنون" در تل آویو بسود این پیشنهاد دست به تظاهرات می‌زند. حال اگر اسرائیل ادامه و تشدید جنگ و وخامت اوضاع در خلیج فارس را بذفع خود می‌داند بخاطر آنستکه با بهره برداری از شرایط پرتشنج ناشی از آن و با پشتگرمی متحد استراتژیک خود، امپریالیسم آمریکا، می‌خواهد از پذیرش راه حل اصولی و منطقی و عادلانه بحران خاورمیانه، که مسئله فلسطین حلقه اساسی آنست، همچنان سرباز زند، استتلال و حق حاکمیت و تمامیت ارضی کشورهای عرب را نادیده انگارد، به موازات عملکرد ارتجاع عرب، با تحریکات و توطئه‌های خود بذرف تفرقه در بین آنها بپیشاند و از تشکیل جبهه بالتوجه وسیع ضد صهیونیستی - ضد امپریالیستی در سطح منطقه جلوگیری بعمل آورد.

آدامه جنگ ایران و عراق همچنان با خواست و بسود امپریالیسم، صهیونیسم و محافل حاکمه ارتجاعی جنگ طلب و ماجراجوی جمهوری اسلامی است. امپریالیسم و صهیونیسم، با دستیازی به انواع توطئه‌ها تحریکات، تلاش می‌ورزند تا آتش این جنگ را فروزان نگهدارند و حداکثر بهره برداری را بسود هدفهای ماجراجویانه خود بعمل آورند. پایان جنگ ایران و عراق گامی پراهمیت در راه تضعیف اتحاد استراتژیک آمریکا- اسرائیل علیه خلق های منطقه خواهد بود و عامل مثبتی برای حل بحران خاورمیانه بشمار می‌رود، که در مرکز آن مسئله فلسطین قرار دارد. پایان بخشیدن به این جنگ، همچنین از این دیدگاه، امری است ضرور و عاجل.

سایر "برادران" در اکثر موارد یافتن راه‌های جدید و مختص ج.ا. برای معامله و خرید مخفی انواع سلاحها بوده است. و نیز معلوم شد "ازقضا" با بازگشت مهندسان سابق و جدید کمپانی دولتی "فیلیپ برنر" آلمان غربی و بازگشایی تاسیسات احداث شده در سنان، از زمان رژیم شاه، ساختن برخی سلاحها و مهمات میسر گشته است. موسسه "دینامیت نوپل" آلمان غربی، که شاید نتوانسته بود موقعیت طلایی "فیلیپ برنر" را بدست بیاورد، به فروش ۷۰۰۰۰ چاشنی مواد منفجره به ایران اکتفا کرد.

"ایران گیت" ایتالیایی با برملا شدن نقش واسطه‌گری کمپانی "تیرنا ایندوستری" در امر فروش مواد منفجره و سلاح و نیز نقش موسسه "بورتلی"، که چاشنی گلوله‌های توپخانه ایران را تامین می‌کرده است، افشا شد.

با آشکار شدن فروش دهها هزار قطعات یدکی توپ‌های ۱۵۵ میلیمتری توسط "شرکت نوریکوم" و نیز افشا شدن قرارداد سه ساله فروش ۶۰۰ قبضه توپ به شرکت ایرانی "فسامی"، که ۲۰۰ میلیون دلار سود خالص به جیب صاحبان شرکت اتریشی سرازیر کرد، "ایران گیت" اتریشی برملا شد.

زود بندهای پنهانی ج.ا. با انحصارات نظامی بریتانیا با افشگری یکی از نمایندگان مجلس این کشور آشکار گشت. بریتانیا در این معاملات متادیر زیادی قطعات یدکی و موتور تانکهای چیچمن و نربر اسکورپیون و نیز تعدادی موتور برای نیروی دریائی ایران ارسال داشت. تعمیرگاه و کرافت نظامی ایران و تحویل خودرو نظامی معادل ۲۰۰ میلیون پوند نیز از جمله معاملات پنهانی بود، که ج.ا. با دولت تاجر انجام داد.

در این میان کشور بلژیک هواپیماهای سبک آموزشی که می‌توانند کاربرد نظامی داشته باشند، طی قراردادی که شامل تامین کلیه لوازم یدکی و حتی تاسیس کارخانه تولید آن نیز می‌شود، در اختیار ایران قرار می‌دهد. دلان و سرمایه‌داران سوئدی، اسرائیلی، افریقای جنوبی، آمریکائی و ... در گوشه و کنار دنیا انواع اسلحه و قطعات یدکی به قیمت چندین برابر برای ج.ا. تهیه می‌کنند.

"ایران گیت" فرانسوی، که این روزها بدنبال درگیریهایی داخلی جناحها در فرانسه برملا شد، حاکی از آنست که یک مسئله خصوصی تحت نظارت دولت با پرداختن ۱۰۰ میلیون فرانک حق دلالی و رشوه به واسطه‌های فرانسوی و ایرانی تعداد ۵۰۰ هزار گلوله توپ ۱۰۵ تا ۱۵۵ میلیمتری و ۱/۲ تن ماده منفجره خاصی را به ارزش کلی ۷۰۰ میلیون فرانک مخفیانه به وزارت دفاع فروخته است. آنچه در بالا گفته شد، تنها گوشه‌ای است از یک رشته معاملات، ارتباطات و زودبندهای میان سران مرتجع ج.ا. و دلان مرک. ج.ا.، به یک از مشتریان پروپا قرص "ناتو" در خاورمیانه بدل شده است و در حالیکه وضع اقتصادی کشور و زندگی مردم روز بروز بدتر می‌شود، با خرید جنگ افزار، جیب سرمایه‌داران و غارتگران انحصارات نظامی خارجی را پر می‌کند.

متن سخنرانی رفیق خاوری در ...

مستند، به چنان عوامل سرنوشت سازی تبدیل کرد که در عمل، پیشرفت تاریخی بشریت را معین می کنند. پس از اکتبر حلقه های زنجیر سیادت اقتصادی سرمایه انحصاری و استعماری شکاف برداشت و راه برای آزادی خلق های اسیر دربند بردگی استعماری گشوده شد.

به دشواری می توان در نظر خود مجسم کرد که جهان معاصر بدون انقلاب اکتبر چگونه می توانست باشد.

در اتحاد شوروی، همخوان با تصمیمات پلنوم آوریل ۱۹۸۵ کمیته مرکزی و کنگره بیست و هفتم حزب که در آنها، استراتژی شتابان سازی توسعه اجتماعی - اقتصادی از طریق استفاده وسیع از دستاوردهای پیشرفت علمی - فنی و دمکراتیزاسیون باز هم بیشتر همه جنبه های زندگی جامعه شوروی تدوین شده، براساسی دگرگونی های انقلابی در جریان است.

در این مرحله نوین، راه به روی فعالیت دگرسازی گشوده شد، که آغاز آنرا انقلاب اکتبر، زیر رهبری لنین کبیر، بنیان گذاشته بود. ما این دگرگون سازی ها را بگرمی تهنیت می گوئیم و برای خلق برادر، اتحاد شوروی، پیروزی های بیشتری را در امر تحقق این برنامه ها در زندگی آرزو می کنیم. در این تردیدی نیست که تحقق همه این دگرگونی ها نه تنها ظرفیت بالتمه عظیم اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را بکار می اندازد، بلکه همچنین گیرایی و جاذبه سوسیالیسم را که خلق های جهان در آن رهائی بشریت از جنگ ها، بحران ها، درگیری های ویرانگر، نداری و واپس ماندگی را می بینند، تعویت می کند. نخستین فرمان حاکمیت شوراها، فرمان صلح بود. برنامه صلح اتحاد شوروی، اعلامیه رفیق گاریباچف به تاریخ ۱۵ ژانویه ۱۹۸۶، سخنان او در کنگره بیست و هفتم حزب - که در برگزیده فراخوان به جهانیان برای ورود به سده بیست و یکم بدون جنگ افزار هسته ای و شیمیایی است - صدای سوسیالیسم، سوسیالیسم بگونه ای چشمگیر در همه جهات تحکیم و توانمند شده است.

امروزه گوش فراندادن به این صدا بمعنای قراردادن تمدن در مرز نابودی است. در سال های اخیر در نتیجه سیاست نظامیگرانه امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا، بشریت نگرانی ژرفی را احساس می کند. گرایش امپریالیست ها به دستیابی به برتری نظامی و برقراری سیادت خود بر جهان، خطر واقعی نابودی بشریت را در بر دارد.

با در نظر گرفتن جهش کیفی در تکامل جنگ افزارها، جنگ دیگر نباید پستاپه وسیله حل اختلافات مطرح شود. جنگ هسته ای، هم به نابودی دوطرف درگیر و هم به نابودی خود موضوع مورد مجادله و حتی آن کشورها و خلق هایی می انجامد که هیچ ارتباطی با درگیری ندارند.

از این رو، امر صلح، امر همه خلق ها و امر همه مردم روی زمین شده است. دیدار ما، که در آن نمایندگان احزاب کمونیست، کارگری، سوسیالیست، سوسیال دمکرات و جنبش های رهائی بخش ملی حضور دارند، در زادگاه اکتبر کبیر برگزار می شود. این دیدار نشان داد که حفظ صلح امریست مربوط به همه بشریت ترقی خواه.

برخورد ما به این مسئله مهم معاصر اینست که جنگ هسته ای می تواند به معنی پایان زندگی در سیاره ما باشد. مسأله تولید جنگ افزارهای هسته ای و غیر هسته ای، هر روز که می گذرد، این خطر را تشدید و وضع را بیابش از پیش غیر قابل کنترل می کند. امکانات عظیمی صرف تدارک جنگ می شود که می تواند برای بهبود شرایط مادی و معنوی زندگی خلق ها مورد استفاده قرار گیرد. مسأله تسلیحاتی بحران های اقتصادی را حادتر می کند و در کشورهای جهان سوم فقر و گرسنگی و مرگ را تشدید می سازد. انرژی عظیم جامعه جهانی باید در راستای بهبود زندگی مردم و سالم کردن محیط زیست هدایت شود، نه برای ساختن وسایل نابود کردن بشریت. تنها فعالیت رشدن هر چه بیشتر همه نیروهای صلحدوست می تواند بر فعالیت دیوانه و آتش افروزان جنگ و کسانیکه از تدارک جنگ سود می برند، یعنی انحصارات نظامی و صنعتی کشورهای امپریالیستی نقطه پایان بگذارد.

مردم ایران همانند دیگر خلق های جهان پیروزی اکتبر را از صمیم قلب

خوشامد گفتند. آنان بی درنگ تاثیر مستقیم آنرا بر زندگی خود احساس کردند. در آغاز سده حاضر، ایران موقعیت خاصی داشت و در حالت وابستگی نیمه استعماری بود. انقلاب اکتبر شرایط عینی سیاسی را برای جلوگیری از برقرار شدن سیادت کامل استعماری انگلیس بر کشور ما بوجود آورد. روسیه شوروی در همان نخستین روزهای موجودیت خود، دست دوستی و کمک پسوی خلق رنج دیده ایران دراز کرد و موافقت نامه های اسارت آور تحمیل شده از سوی تزاریم را لغو کرد.

زیر تاثیر نیرومند انقلاب اکتبر مرحله نوینی در تاریخ جنبش رهائی بخش و دمکراتیک مردم ایران آغاز شد. نخستین دولت کارگران و دهقانان نخستین کشوری بود که مناسبات خود را با ایران برپایه برابری برقرار می کرد. بلافاصله پس از انقلاب، مردم ایران پشت، از پرتوان اتحاد شوروی را از خود احساس کردند. اتحاد شوروی، همین سیاست روشن را اینک نیز در ارتباط با جنگ ایران و عراق دنبال می کند. اتحاد شوروی بارها اعلام کرده است که خواهان قطع فوری درگیری مسلحانه ایران و عراق و حل مسأله مورد مناقشه میان دو کشور، نه در میدان نبرد، بلکه پشت میز مذاکره است.

در نقطه مقابل این سیاست، امپریالیسم آمریکا، نه تنها در شعله ور کردن آتش این جنگ خانمانسوز که در جریان آن حدود یک میلیون تن جان خود را از دست داده اند، نقش اساسی داشته است، بلکه همچنین برای ادامه یافتن آن و حفظ دائمی و گسترش حضور نظامی، اقتصادی و سیاسی خود در منطقه تلاش می کند.

استقرار بیش از ۴۰ کشتی جنگی آمریکایی و ده ها ناو نیروهای نظامی - دریایی متحدان ایالات متحده آمریکا در "ناتو" در خلیج فارس به دستاویز تامین آزادی کشتیرانی، وضع را بشدت حادث کرده است. ایالات متحده آمریکا که به کشتی ها و سکوها نفتی ایران حمله می کند و تهدید به حملات دیگر را نیز مطرح می سازد، مستقیماً وارد عملیات جنگی شده است، در نتیجه حضور فزاینده نظامی امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس، چارچوب درگیری، گسترش یافته است، و این خطر جدی ای برای منطقه و برای صلح جهانی ایجاد می کند. ما ما خواهان پایان دادن بی درنگ جنگ و اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد و خروج فوری کشتی های جنگی ایالات متحده آمریکا و متحدانش در "ناتو" از خلیج فارس هستیم. ما همچنین همبستگی خود را با حزب دمکراتیک خلق افغانستان اعلام می کنیم و از سیاست آشتی ملی که در کشور خود تحقق می بخشد پشتیبانی می کنیم.

رفقا و دوستان گرامی! کمونیست های ایران، همه نیروهای مترقی و دمکراتیک و توده های زحمتکش کشور ما از سوی مستبدان قرون وسطایی حاکم تحت پیگرد قرار گرفته اند. حکام جمهوری اسلامی سال هاست ده ها هزار تن از هواداران صادق آزادی و عدالت اجتماعی را پشت دیوارهای زندان نگاه داشته اند. بسیاری از میهن پرستان و مبارزان راه آزادی اعدام شده اند و یا بی سروصدا نابود گردیده اند. اعدام دگراندیشان امری عادی شده است. زنان بطور کامل از حقوق اجتماعی محروم شده اند. اقلیت های ملی زیر یوغ دوگانه ستم ملی و اجتماعی قرار دارند. حکام جمهوری اسلامی، جنگ برادرکشی چند ساله را به خلق کرد تحمیل کرده اند. بحران فراگیر اقتصادی، فقر، تورم، گرانی سرسام آور، فقدان ابتدائی ترین حقوق آزادی های دمکراتیک، باز هم وضع دشوار کشوری را که از جنگ رنج می کشد دشوارتر می کند.

تقریباً پنج سال پیش ارتجاع ایران در زده بند با امپریالیسم دست به تضيیقات بیرحمانه ای نسبت به حزب توده ایران زد. اکنون پنج سال است که هزاران عضو حزب توده ایران در سیاه چال های قرون وسطایی رژیم گرفتارند. بسیاری از نمایندگان نیروهای مترقی، دمکراتیک و میهن پرست دستگیر شده اند. ما از احزاب برادر به مناسبت ابراز همبستگی در مبارزه برای نجات زندانیان سیاسی صمیمانه سیاستگزاریم و امیدواریم که تلاش های خود را در جهت قطع فشار بر زندانیان سیاسی و آزاد کردن هر چه زودتر آنان و همچنین قطع جنگ خونین و خانمانسوز میان ایران و عراق دوچندان کنند.

افتخار بر اکتبر کبیر، راهگشای دوران نوین در تاریخ انسانیت!

در هفت دهه اخیر، جنبش‌های رهایی بخش ملی دستاوردهای بزرگی داشته و نوین می‌انجامد که حاکی از غنا و پویایی هر چه بیشتر دانش انقلابیون، در چشم انداز نوینی را در برابر خلتها کشوده است. مرورند با گسترش جنبش پژوهش دانشمندان کشورهای سوسیالیستی و احزاب مارکسیست - لنینیست در تئوری انقلاب رهایی بخش ملی شتاب، ژرفا و فراگیری هر چه بیشتری یافته است. بررسی‌ها چنانچه تجربه دهه‌های اخیر جنبش‌های رهایی بخش ملی و تحولات اجتماعی در کشورهای رشد یافته به تعمیم‌ها و طرازبندی‌ها وای. لنین با تاکید بر اینکه "انقلاب‌های ترکیه، ایران، و چین انقلاب ۱۹۰۵ روسیه را بی گرفتند"، مرحله نوین فرا رسیده در گسترش روند انقلابی جهانی را "دوران توفان" می‌نامید و با در نظر داشتن تاثیر متقابل رویدادهای انقلابی، از "انعکاس متقابل" روندهای انقلابی خاور در تحولات اجتماعی باختر سخن می‌گفت. تاثیر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر بسیار فراتر از این بود. واقعا تاریخ چنین ابعاد وسیعی از مبارزه انقلابی را بخود ندیده است. این مبارزه:

انقلابی عملا تمام کره زمین - و حتی مناطقی را که مستعمره بشمار نمی‌آمدند در بر گرفته بود. لنین ویژگی‌های خاص روند انقلابی در مناطق "مستعمره" را نیز پیش بینی کرده بود. او نوشت: "انقلاب‌های آینده در کشورهای با جمعیت به مراتب بیشتر و با شرایط اجتماعی برتر متنوع‌تر خاور، بدون شک خود ویژگی‌هایی بیش از انقلاب روسیه خواهند داشت." لنین از جمله این خود ویژگی‌ها، از تاثیر متقابل کانون‌های مختلف جنبش انقلابی در خاور، رادیکالیسم نسبی (تا حدود و تا زمان معین) عناصر بورژوازی، گسترده‌گرایش‌های ناسیونالیستی و بقای ساختارهای پیش از سرمایه‌داری نام می‌برد. حوادث بعدی این پیش بینی لنین را تایید کردند.

یکی از ویژگی‌های اساسی کشورهای در حال رشد عبارت است از نقش پراهمیت مناسبات و ساختارهای سنتی، که در نتیجه آن شکاف قابل توجهی میان شیوه‌های کهن و پیش از سرمایه‌داری با شیوه‌های نوین صنعتی زندگی بوجود می‌آید. اکثریت ساکنان کشورهای آسیا و آفریقا به شکلی از اشکال با یکی از نهاد‌های سنتی - جامعه پدرسالاری، کاست، و یا فرقه مذهبی - در ارتباط هستند. این ارتباط، احترام سبلیک به گذشته‌ها نیست، بلکه تعلق حقیقی به آن همبود اجتماعی پایدار است که در طول تاریخ بوجود آمده است.

مدرنیزاسیون استعماری این روابط را تضییع می‌کند. اما اغلب توان آن را ندارد که آنها به روابط نوین بدل سازد. بخش مدون اقتصاد به رشته‌های سنتی یورش می‌برد و توده‌های عظیم مردم را از آنها بیرون می‌کشد، اما غالبا هیچگونه امکانی برای تمرکز آنها در گستره‌های نوین تولید فراهم نمی‌آورد. از نظر قربانیان بی‌عدالتی اجتماعی - دهقانان سابق که هست و نیست خود را در روستا از دست داده‌اند و آن را در شهر نیز نیافته‌اند و نمایندگان سرمایه‌داری برای عاقل و سرچشمه فقر و تنگدستی بشمار می‌رود. اینگونه افراد میل دارند ناکامی شخصی و عدم رفاه جامعه را همانند مجازاتی آسانی تلقی کنند که بخاطر تخطی از آن شیوه زندگی شکل گرفته طی قرن‌ها و بخاطر تقلید از عادات "بیگانه" نازل شده است. چنین شیوه تفکری میان کسانی که موقعیت گاهی ممتازشان در اثر مدرنیزاسیون متزلزل می‌شود نیز رواج دارد (آرستوکراسی سنتی ورشکسته، روحانیت)، و بالاخره این نظریات در میان اقشار متوسط نوین، یعنی کسانی که از تحصیلات امروزی برخوردارند و به نتایج مدرنیزاسیون به شیوه غربی برخورد انتقادی دارند نیز طرفدارانی دارد.

تجربه نشان می‌دهد، در آن کشورهایی که احزاب پیشاهنگ زحمتکشان انقلاب آزادیبخش ملی را رهبری کرده‌اند، اینگونه روحیات در جهت رشد مبارزه ضد امپریالیستی هدایت شده‌اند و به رشد و پیشرفت جنبش انقلابی و زرفش جنبه‌های اجتماعی آن یاری رسانیده‌اند.

اما نمی‌توان چشم را بر این واقعیت بست که همین نظریات در شرایط دیگر به نتایج دیگری منتهی شده‌اند (ایران). اصرار قشریگرانه در حفظ میراث سنتی می‌تواند روند انقلابی را به بن بست برساند.

کشورهای ازبند رسته در مرحله کنونی

لنین، به اتکای دیالکتیک، درک می‌کرد که جزء با کل در ارتباط است و تنها در چارچوب قانونمندی‌های عمومی می‌تواند بدرستی مورد ارزیابی قرار گیرد. یکی از این قانونمندی‌ها عبارت است از ارتباط تنگاتنگ مبارزه آزادی بخش ملی با روند انقلابی جهانی و مبارزه پرولتاریا و زحمتکشان در کشورهای از لحاظ اقتصادی پیشرفته. جنبش‌های دمکراتیک عام در کشورهای خاور با اشکال عالیتر مبارزه در کشورهای پیشرفته توأمند. بنابراین در

اینجا نسبت به دیگر انواع انقلاب‌ها، عامل خارجی تاثیر بیشتری دارد و کشورهای پیشرفته - چه سرمایه‌داری و چه سوسیالیستی - بر حرکت آنها تاثیر بیشتری می‌گذارند.

خود واقعیت فروپاشی نظام استعماری و رهایی دهها کشور از زیر یوغ بردگی بیگانه، نقش سیاست خارجی و اهمیت تغییر تناسب عمومی قوا میان دو نظام به سود پیشرفت و سوسیالیسم را آشکار ساخت. این تغییر در نتیجه انقلاب اکتبر، جنگ جهانی دوم و پیشرفت کلی روند انقلابی جهانی صورت گرفت. واقعا هم، موفقیت دگرگونی‌های ضد استعماری، ضد امپریالیستی و بالاتر از آن ضد سرمایه‌داری در کشورهای ازبند رسته عمیقا با تناسب قوا در صحنه مبارزه عمومی دو نظام جهانی در ارتباط است.

عامل خارجی در انتخاب راه رشد کشورهای ازبند رسته نیز تاثیر فراوانی دارد. در این امر که بخشی از این کشورها در راه رشد غیر سرمایه‌داری قرار گرفتند، خود وجود نظام جهانی سوسیالیستی، سرمشق و تجربه آن نقش عظیمی بازی کرد. اما در گروه کشورهای با ستمگیری سرمایه‌داری نیز نمونه‌هایی وجود دارند که برای روند انقلابی جهانی بی‌اهمیت نیستند، از جمله "سرمایه‌داری دمکراتیک" (از نوع مکزیک)، رژیم‌های "پیرو امپریالیسم" (Proimperialism) (مانند کره جنوبی) و مراکز خرده امپریالیستی Subimperialism (مانند ایران دوران شاه) و غیره.

بدیهی است که عامل خارجی اهمیت عامل داخلی را، که در عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی و در بقای ساختارهای پیش از سرمایه‌داری تجلی می‌یابد، نمی‌کند. ناکام ماندن برخی از انقلاب‌های آزادیبخش ملی و حتی پیدایش روندهای قهرقراضی، از جمله در کشورهایی که در آغاز ستمگیری سوسیالیستی را برگزیده بودند (مصر، سومالی) نیز از همینجا سرچشمه می‌گیرد.

اما تکیه‌گاه‌های رشد غیر سرمایه‌داری در دوران معاصر، که نقش فزاینده نظام جهانی سوسیالیستی وجه مشخصه آنهاست، بسیار عمیق‌تر از آن زمانی هستند که بنیانگذاران مارکسیسم هنوز در جستجوی راه‌های برخورد به این مسئله بودند. کشورهایی که به راه رشد غیر سرمایه‌داری کام گذاشته‌اند، اکنون می‌توانند به کمک‌های نظام جهانی سوسیالیستی تکیه کنند. خود آنها نیز اکنون دیگر تجربه معینی از دگرگونی‌های مترقی و حتی سوسیالیستی انباشته‌اند.

اما حتمیت تاریخی ستمگیری سوسیالیستی بنودی خود مسئله دشواری‌های عینی و ذهنی در راه تحقق آن را از بین نمی‌برد.

عالیترین شکل تعمیق دگرگونی‌های اجتماعی در کشورهای در حال رشد، انقلاب دمکراتیک خلق است. این انقلاب در وظایف کوتاه مدت خود یکسانی فراوانی با انقلاب ملی - دمکراتیک دارد. اما این دو هم از نظر

کشورهای در حال رشد اکنون هرچه روشنفکر ضرورت ایفای نقش خود در مبارزه بخاطر صلح و دفع خطر هسته‌ای را درک می‌کنند. رهبران بسیاری از کشورهای مستقل جوان و محافل وسیع اجتماعی این کشورها، با درک اینکه مسأله از بین بردن عقب‌ماندگی و تسریع رشد اقتصادی و اجتماعی را تنها در شرایط خلع سلاح و پایان دادن به خطر فاجعه هسته‌ای می‌توان حل کرد، نگرانی فزاینده‌ای نسبت به سرنوشت صلح نشان می‌دهند.

این امر بطرز روشنی در فعالیت جنبش غیرمتمعه‌ها بازتاب می‌یابد. بطوریکه کنفرانس نوبتی سران کشورهای غیرمتمعه در سال گذشته در "حراره" نشان داد، این جنبش اکنون به نیروی توانایی تبدیل شده است که در مقابل جنگ و تجاوز، امپریالیسم، استعمار و نژادپرستی ایستاده است. نیرویی که پتانسیل صلح، عقل سلیم و اراده نیک را افزایش می‌دهد. در "بیانیه حراره" از جمله گفته می‌شود: امروز انتخاب نه بر سر جنگ و صلح، که بر سر مرگ و زندگی است. این موضوع امر مبارزه بخاطر صلح و برطرف کردن خطر جنگ هسته‌ای را به وظیفه عمده دوران ما بدل می‌سازد. مسلماً این اتفاقی نیست که در گروه رهبران شش کشور، که مصران و پیگیرانه ابتکاراتی در جهت آغاز روند خلع سلاح ارائه می‌کنند، رهبران چهار کشور در حال رشد شرکت دارند (آرژانتین، هند، مکزیک و تانزانیا). این امر نیز افتخارآمیز است که منشور دهللی درباره اصول جهان آزاد از سلاح هسته‌ای و زورگرایی را این دو کشور امضا کرده‌اند: اتحاد شوروی، اولین کشور سوسیالیستی جهان، و دولت مستقل جوان، هند.

مواضع کشورهای سوسیالیستی و کشورهای در حال رشد در پارامترهای اساسی دگرگونی‌های انقلابی - یعنی صلح، حق حاکمیت ملی و پیشرفت اجتماعی - با یکدیگر انطباق دارند. این امر، تحکیم اتحاد بین سوسیالیسم جهانی و جنبش آزادیبخش ملی را تضمین می‌کند. اتحادی که عامل مهمی در مبارزه ضد امپریالیستی و در پیشرفت اجتماعی در دوران کنونی بشمار می‌آید.

گ. کیسم

عضو وابسته آکادمی علوم اتحاد شوروی
"پراودا" - ۱ سپتامبر ۱۹۸۷

انجام فکری - سیاسی و سازمانی نیروهای رهبری‌کننده آنها و هم از نظر درجه بلوغ این نیروها با یکدیگر تفاوت دارند. اهداف انقلاب دمکراتیک خلق برقراری حکومت زحمتکشان و آغاز ساختمان سوسیالیسم است که از چارچوب اهداف انقلاب ملی - دمکراتیک، که اغلب در مرحله تأمین استقلال سیاسی متوقف می‌ماند، فراتر می‌رود.

انقلاب دمکراتیک خلق در کشورهای در حال رشد از راه‌های گوناگونی بوقوع می‌پیوندد و گسترش می‌یابد. در برخی کشورها روند انقلابی بلافاصله، یعنی در دوره مبارزه برای استقلال، خصلت خلقی - دمکراتیک پیدا کرد (ویتنام، لائوس، چین). در دیگر کشورها انقلاب دمکراتیک خلق در لحظه دستیابی به استقلال ملی یا کمی پس از آن آغاز شد (کره دمکراتیک، کوبا). اما روند خودویژه فرارویی انقلاب ملی - دمکراتیک به انقلاب دمکراتیک خلق بیش از همه مشاهده شده است. این امر در کشورهای اتفاق افتاد که بوسیله احزاب پیشاهنگ زحمتکشان رهبری می‌شدند (یمن دمکراتیک، آنگولا، موزامبیک، اتیوپی، بنین، جمهوری خلق کنگو و غیره). مغولستان نیز بنوبه خود از مراحل گذار از انقلاب آزادیبخش ملی به انقلاب ملی - دمکراتیک، و پس از آن به انقلاب دمکراتیک خلق گذشته است.

*

هنگامی که از چشم‌اندازهای پیشرفت اجتماعی در کشورهای ازبندسته سخن می‌رود، نمی‌توان از مسأله عمده و جهانی دوران معاصر جدا ماند. چراکه محبت برسر حیات بشریت است.

کنفرانسی که هم اکنون در نیویورک پیرامون ارتباط متقابل میان خلع سلاح و پیشرفت برگزار می‌شود، بطور واضحی نشان می‌دهد که چگونه مسأله تسلیحاتی و خامت مناسبات جهانی راه‌های پیشرفت اجتماعی را - بروی بخش بزرگی از جهان می‌بندد. بخشی که میراث سنگین گذشته‌ها - گرسنگی، فقر و عقب‌ماندگی - را به ارث برده است. اتحاد شوروی همه را به درک این واقعیت فرامی‌خواند که با نگاه داشتن خلق‌های دیگر مناطق و حتی قاره‌های کامل در استثمار و محرومیت، بشریت با چاشنی انفجاری بازی می‌کند، که کمتر از انفجار هسته‌ای خطرناک نیست.

"مبارزه" با گرانروشی

شیراز (از یک نامه) - برای خرید وارد مغازه کوچکی محله شدم. ناگهان ماموران شهرداری همراه با چند پاسدار مسلح وارد شدند و قیمت چند قلم جنس را پرسیدند و گفتند خیلی گران است. فروشنده گفت: من این اجناس را گران خریده‌ام و نمی‌توانم ارزان بفروشم. ماموران گفتند: به ماهیچ ربطی ندارد که گران خریدی، قیمت فروش همان است که دولت تعیین کرده. اجناس مورد نظر نرخ گذاری و در مقابل نگاه حیرت زده تماشاچیان قسمت اعظم آنها توسط نرخ گذاران خریداری شد. در واقع اجناس را غارت کردند. فروشنده در حالی که نفرین می‌کرد می‌گفت "این دزدهای روزروشن را من خوب می‌شناسم. همین اجناس را که از من به قیمت ارزان خریدند، می‌برند در گوشه دیگر شهر و به قیمت گران می‌فروشند".

مجوز صدور کارت شهر خشک

در قلعه حسن خان، هنگام صدور کارت شهر خشک برای کودکان شیرخواره، پستانهای مادر را می‌فشارند. چنانچه قطره‌ای شیر بیرون نیاید کارت صادر می‌شود، در غیر اینصورت نه.

انها این بود که در داخل آرایشگاه خانمها حجاب اسلامی را رعایت نمی‌کنند.

عقب نشینی عوامل رژیم

میانه - پس از بمبارانهای اخیر، چند تن از "حزب الهی" ما در محل بمباران شده حضور یافتند و شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" سردادند. مردم که از بمبارانها بیختم آمده بودند با آنها درگیر شدند و هنگامی که بسیجی‌ها و پاسدارها به پشتیبانی از "حزب الهی" ما آمدند، کار به زد و خورد کشید. در جریان زد و خورد، عوامل رژیم ناگزیر از عقب نشینی شدند. پس از چند ساعت با دخالت نیروهای کمکی از اردبیل، مجهز به ۴ فروند مایکوپتر، اوضاع عادی گردید. در این میان گروهی زخمی شدند.

کارمندان هواپیمائی با تروریست؟

در جریان ترور اکبر محمدی، خلبان هواپیمای ویژه "هاشمی رفسنجانی"، که چندی پیش پس از پنهانده شدن به آلمان غربی مورد سوء قصد قرار گرفت و کشته شد، دو نفر کارمند هواپیمائی جمهوری اسلامی بنامهای ناصر دریائی و سعید کامیاب نقش داشته‌اند. این دو نفر پس از افشای قضیه خاک آلمان غربی را ترک کردند و مخفی شده‌اند.



آزمین دریند به مامی نویسند

شهریه با عنوان کمک مالی

اسال تحت عنوان "کمک مالی" به آموزش و پرورش، از اغلب دانش آموزان شهریه گرفته شد. میزان شهریه با توجه به دفترچه بسیج و شغل و موقعیت سرپرست خانواده و سطح محله‌ای که در آن زندگی می‌کنند تعیین می‌شد. از تعدادی افراد متوسط الحال برای ثبت نام فرزندشان در سال اول دبستان حدود ۱۵۰۰ تومان دریافت شد. مسئولان مدارس در پاسخ به اعتراض اولیاء دانش آموزان دابر بر اینکه وزیر آموزش و پرورش گرفتن شهریه را ممنوع اعلام کرده است می‌گفتند: بخشنده! اخذ شهریه از وزارتخانه به مدارس رسیده و از مسئولان مدارس خواسته شده که ۱۵ درصد از وجوه دریافتی را بحساب وزارت آموزش و پرورش واریز کنند.

"سزای" بی‌حجابی در آرایشگاه

زاهدان - پسران شخصی بنام "پیری"، از حزب الهی‌های این شهر - که در شناسائی و دستگیری بسیاری از مبارزان دست داشته‌اند - با نترس و لاستیک یک آرایشگاه زنانه را آتش زدند. بهانه

اجرای قطعنامه شماره ۵۹۸ خواست مردم ماست

بحران در دانشگاههای ایران

وضع در دانشگاههای ایران نگران کننده است. سطح دانش و فرهنگ، بویژه دانشهای مورد نیاز دنیای معاصر، روز بروز پائین تر می آید. همه دارند کم کم بی می برند که اگر وضع کنونی ادامه یابد، میهن ما بزودی با یک فاجعه بسیار فزاینده فرهنگی، با پیامدهای فوق العاده سنگین روبرو خواهد گردید.

آموزاندن دانشهای امروزی به دانشجویان و پروراندن کارشناسانی که بتوانند تکنیک و تکنولوژی مدرن پاسخگوی ضرورتهای رشد جامعه مارابکار گیرند نیاز به دانشگاهی دارد که علاوه بر دارا بودن پایگاه گسترده مادی، آزمایشگاههای مجهز و استادان و استادیاران کارآزموده، همه شرایط لازم برای تفکر آزاد علمی و مباحثات آفریننده در آن موجود باشد. اینک مانع اصلی و عامل بحران را همانا چنگ اندازی "حوزه های علمیه" بر روی دانشگاه، بمنظور "اسلامی کردن" آنهاست.

پیش بینی این وضعیت چندان دشوار نبود که نظریات ضد علمی روحانیون و شیوه های تحمیلی آنان، مثلا در مورد گزینش دانشجو که بر پایه معلومات علمی قرار ندارد و بر اثر آن بسیاری از جوانان تیزهوش و پاک و مبارز دارای استعداد علمی واقعی پشت در دانشگاه ها میمانند، دیر یازود سر و صدای همه استادان را در می آورد.

اینک چنین شده است. از این روست که متجاوزان به ساحت دانشگاه به دست و پا افتاده اند. آیت الله جنتی اوایل آبان ماه در نشست دو روزه "نمایندگان قائم مقام رهبری" در دانشگاهها تهدید کرد که: "چنانچه میان برخی از نمایندگان و مسئولان دانشگاهی اختلاف نظری باشد، دلیلی برای رها کردن کار نیست". ولی انصاف بدهید که اگر مثلا آیت الله محمدی گیلانی معروف (که خود یکی از نمایندگان برجسته "قائم مقام رهبری" در دانشگاههاست) بخواهد استادی را وادار سازد بجای تدریس بیولوژی علمی بر اساس نظریات داهیانه داروین پیرامون انتخاب طبیعی و پیدایش انواع، از نو قضایای مربوط به بابا آدم و ننه حوا و یا کشتی نوح را حکایت کند، آن استاد بجز رها کردن کار چه چاره ای دارد؟

فرستادگان "حوزه های علمیه" در دانشگاهها، به مداخلات ناروا و بدون صلاحیت در امور علمی، فراوان دست زده اند و می زنند، بطوریکه استادان واقعا احساس می کنند که اجازه تدریس واقعیات علمی و تربیت نیروهای روشنفکر و کارداران برای فردای جامعه را ندارند.

حال چه فایده که آیت الله جنتی در همان نشست اعتراف کند که "عدم هماهنگی و وجود اختلاف میان مسئولان آموزش عالی، خصوصا با نمایندگان قائم مقام رهبری در دانشگاهها خطر جدی است که نظام جمهوری اسلامی را تهدید می کند و اگر در این زمینه کوتاهی شود انقلاب را از درون می پوساند". صرف نظر از اینکه "انقلاب" مورد نظر ایشان

زنگ خطر

امپریالیسم آمریکا و متحدانش به بهانه ضرورت اعمال "تدابیر قهرآمیز" علیه ج.ا. برای برقراری آتش بس میان ایران و عراق هر روز بر حضور نظامی خود در خلیج فارس می افزایند. ج.ا. نیز با اقداماتی از جمله اعلام برکزاری "هفته آمادگی برای رویارویی با تجاوزات آمریکا" و ایجاد هیاهوی تبلیغاتی عملا بر پیشبرد این هدف کمک می رساند.

جنگ در مناطق مرزی دو کشور به نسبت ماه های اخیر شعله ور تر می شود. بمباران شهرها و موشک پراکنی ها در هفته های اخیر بر خسارت های جانی و مالی خلق های دو کشور بسی افزوده است. با آن که هنوز گاهی از "حل سیاسی" مسئله جنگ سخن می رود، اما تلاش رژیم برای

مدتهاست از درون پوسیده و تنها در پرتو "تعزیر اسلامی" هنوز سرپا ایستاده، از آنچه که نقل شد با اندکی اندیشیدن بخوبی می توان بی برد که "خصوصا" در طرف دعوا چه کسانی هستند و چه مواضعی دارند.

آیت الله منتظری در زمانهای اخیر بارها به نمایندگان خود توصیه کرده است که سختگیری نکنند و بگذارند در دانشگاهها آزادی گفتار و ابراز عقیده وجود داشته باشد. ولی مگر گوش روحانیون مرتجع می که پسران خود را نیز بخاطر دگراندیشی محکوم به اعدام کرده اند می توانند به این حرفها بدهکار باشد؟ هنوز هم تعهد به "ولایت فقیه" و نظام جمهوری اسلامی، وابسته نبودن به گروههای "الحادی" و از عهده آزمون "ایدئولوژیک" برآمدن (یعنی دانستن اینکه مثلا کهن از چند تکه تشکیل می شود و نماز میت چند رکعت دارد) و در یک کلام سر به زیر بودن و فکر نکردن و در بیشتر زمینه ها... زن نبودن مهمترین شرط برای پذیرش دانشجویست.

شیوه تفکر گردانندگان مرتجع جمهوری اسلامی با شیوه تفکر علمی و آزاداندیشی تناقض دارد و این را آقای منتظری هم خوب می داند. چرا که در نظام "مرگ بر ضد ولایت فقیه" و "ما همه پیرو خط رهبریم - بر صف مشرکان حمله می بریم" از آزادی گفتار و نوشتار و حتی رفتار و کردار صحبت کردن به شوخی بیشتر می ماند.

با این همه شکست انگیز نیست که برخی گردانندگان رژیم دارند خطر تبدیل شدن دانشگاهها به "حوزه های علمیه" را کم کم درک می کنند و می فهمند که حذف دانشگاهها ستوط محتوم جمهوری اسلامی را هرچه نزدیکتر خواهد کرد. اما بی گمان برای بهبود وضع در دانشگاهها راه حلی جز بیرون ریختن "حزب الله" از آنجا و بازگشت فوری و قطعی "نمایندگان قائم مقام رهبری" به قم و آزاد و مستقل گذاشتن دانشگاهها وجود ندارد. هر روز که روحانیت به حضور غیر ضروری و مضر خود در دانشگاهها بیشتر ادامه دهد، زخم عمیقتری بر پیکر دانش و فرهنگ راستین وارد خواهد شد و فردای کشور تیره و تارتر خواهد گردید.

تدارک هرچه بیشتر نیروی انسانی و "حل" مسئله جنگ از طریق نظامی کاملا مشهود است. بلندگوهای تبلیغاتی رژیم از کسانی که توان شرکت در جبهه "چه بصورت رزمنده عملیاتی و چه بصورت کادر تخصصی" را دارند می خواهند که خود را برای رفتن به جبهه آماده سازند و نیز وزارتخانه ها و سازمان های دولتی موظف شده اند تا برنامه های خود را برای جامه عمل پوشاندن به خواست رژیم به "شورای عالی پشتیبانی جنگ" بدهند. بدینسان شواهد نشان می دهد که بایستی بزودی در انتظار قتل عام وسیعی در جبهه ها باشیم.

رفسنجانی، سخنگوی "شورای عالی دفاع"، در جمع "دانشجویان علوم و فنون نظامی دانشگاه امام حسین" می گوید: "ما با تجربه ای که در مورد جنگ اندوخته ایم چنین اعتقاد داریم که آنان (سرمداران غرب) تا مارا قوی و غیرقابل عقب نشینی ندانند تسلیم نخواهند شد... باتوجه به اعتبار زبان قدرت و زور در جهان ما بگونه ای در جبهه ها عمل می کنیم که آنها هیچ راهی جز تسلیم فوری به حق را نداشته باشند".

بیان این سخنان غیرمسئولانه و نظایر آن زنگ خطری است برای مردم زحمتکش میهن ما که ضربه های مهلک جنگ بیش از همه بر پیکر ستمدیده آنها فرود می آید. توده های زحمتکش این واقعیت را خیلی خوب درک می کنند، اما سران ج.ا. به رغم بحران شدید اقتصادی - اجتماعی، چون هستی رژیم را در گرو پیروزی در جنگ می بینند، می کوشند تا با فریب و تهدید، مردم را مرعوب سازند و به پیروی از خود وادارند. در مقابل توطئه های رژیم ضد خلقی، بدیهی است که توده ها زیر بار نمی روند. هر روز در گوشه و کنار کشور ناظر حرکتهای کوچک و بزرگ اعتراض آمیز زحمتکشان در مخالفت با جنگ و دیگر عملکردهای ضد خلقی رژیم هستیم. در صفوف طرلانی، میدانهای مملو از بیکاران، اتوبوسها، مراکز کار و اجتماعات گوناگون فریاد ناراضی از وضع موجود - که بحران و گرانی و فقر جز جدائی ناپذیر آن است - روز بروز بلندتر می شود. بارها دیده شده است که دستگامهای سرکوب و اختناق، اعتراض های گروهی علیه جنگ را بخون کشیده و صلح طلبان را زیر شکنجه برده اند. حتی خمینی گاهی ناچار می شود که در میان اطرافیان خود - که ادامه جنگ را بسود خویش نمی بینند - ایجاد رعب و وحشت کند و آنها را از عواقب مخالفت بترساند.

افزایش نیروهای نظامی آمریکا و متحدانش در خلیج فارس و حرکت متقابل ج.ا. برای "رویارویی" با آن بدون تردید روز بروز منطقی تر و بیشتر اشتع می کند. از این رو مبارزه بی گبر، در عرصه جهانی و داخلی برای پایان دادن به جنگ و افشا ماهیت تجاوزکار سیاست امپریالیسم آمریکا اهمیت حیاتی می یابد. باید با تکیه بر موجد ناراضی و اعتراض های داثار و به گسترش، توده های عظیم مردم را برای تحمیل صلح به رژیم بسیج کرد.

قهرمانان زنده اند

* به گزارش "کار"، ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، رفیق محمود زکی پور، کادربرجسته سازمان، پس از چهار سال تحمل شکنجه‌های مدام جسمی و روحی، به جوخه اعدام سپرده شد. رفیق زکی پور در اوخر دهه چهل به صف فدائیان خلق پیوست و در تداوم مبارزه به اسارت "ساراک" درآمد. او در زندان شاه از سازمان دهندگان مبارزه زندانیان سیاسی بود و در جریان انقلاب بهمن فعالانه شرکت داشت. رفیق محمود زکی پور در اواخر سال ۶۲ بچنگ رژیم ضد خلقی ج.ا. افتاد و پس از چهار سال مقاومت سرانجام در برابر جوخه تیرباران قرار گرفت.

* "فدائی"، ارگان "پیروان بیانیه ۱۶ آذر"، در شماره ۲۸ اطلاع داده است که در جریان اعدام گروهی از زندانیان سیاسی در ۱۴ اردیبهشت، رفیق مسعود انصاری، عضو مشاور کمیته مرکزی، این سازمان اعدام شده است.

* شماره‌های اخیر راه کارگر حاکی است که رفقا خیراله کریمی، سید عباس تنکابنی قزوینی تبار، ولی‌اله حسینی، عبدالله کرمی و محمد صدوقی، از اعضا سازمان کارگران انقلابی ایران، در سیاهچالهای رژیم زیر شکنجه به شهادت رسیده‌اند و تیرباران شده‌اند.

* همچنین گروهی از اعضا سازمان مجاهدین خلق ایران اخیراً اعدام شده‌اند.

ما اعمال جنایتکارانه رژیم را در اعدام و نیز شهادت زیر شکنجه این بخون خفتگان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی شدیداً محکوم می‌کنیم و اطمینان داریم که روزی دست انتقام خلق گریبان حاکمیت ارتجاعی ج.ا. را خواهد گرفت.

برزبان مردم :

کفتگوی یک مسافر نورسیده:
- راستی وضع مردم چطور است؟
- به سه دسته تقسیم شده‌اند. اشکانیان - صفویان - سامانیان.
- از ستم فقیه‌ی به ستم شاهی روی آورده‌اند؟
- نه بابا! گروهی دأماً در جبهه زندان و زیر بیماران‌ها کسانشان را از دست می‌دهند و اشک می‌ریزند. اینان "اشکانیانند". دسته‌ای همیشه در صف نان و گوشت و نفت و غیره ایستاده‌اند که "صفویانند". در این گیر و دار عده‌ای آخوند و بازاری هم به سر و سامان رسیده‌اند که مردم به آنان "سامانیان" می‌گویند.

رفیق حسینقلی بهرامی درگذشت



با اندوهی عمیق به اطلاع رفقای حزبی می‌رسانیم که رفیق حسینقلی بهرامی، مسئول و مترجم مجله "مسائل بین المللی" پس از یک بیماری کوتاه مدت از میان ما رفت.

رفیق بهرامی پانزدهم شهریور ۱۳۰۲ در شهر اراک زاده شد. او تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در شهرستانهای گروس، سنندج، قزوین، و کرمانشاهان بپایان رساند، از سال پنجم متوسطه وارد دبیرستان نظام کرمانشاهان شد و سپس دوره دو ساله رشته مهندسی مخابرات را در دانشکده افسری تهران بپایان رساند.

رفیق بهرامی در سال ۱۳۲۲ به عضویت حزب توده ایران درآمد و در اردیبهشت ۱۳۲۴ بعلت فعالیت‌های حزبی به زندان افتاد. بعد از چند ماه او به زندان دژبان تهران منتقل و سپس همراه گروهی از افسران قیام خراسان به کرمان تبعید شد.

رفیق بهرامی پس از آزاد شدن از زندان و پایان دوره تبعید به تهران بازگشت و به آذربایجان رفت تا به نهضت بپیوندد، اما بر اثر شکست نهضت آذربایجان مجبور به مهاجرت شد. از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۳ ضمن انجام کارهای حزبی دانشکده فلسفه را بپایان رساند و در این رشته دوره دکترا را نیز گذراند. رفیق بهرامی چندسالی در دانشکده‌های تاریخ و فلسفه و اقتصاد کار و تدریس می‌کرد و در سال ۱۹۶۱ در نهادهای تبلیغاتی حزب به فعالیت پرداخت. وی نخست در رادیوی پیک ایران مشغول به کار گردید و چندی بعد اداره مجله "مسائل بین المللی" را به عهده گرفت. رفیق بهرامی این کار را سالهای طولانی، تا چند ماه پیش از بیماری و مرگ زودرس خود، با وظیفه‌شناسی و دقت انجام می‌داد.

ما درگذشت رفیق حسینقلی بهرامی، این توده‌ای مؤمن و دانشور، میهن‌دوست انقلابی و انترناسیونالیست وفادار را به همه بستگان و خویشان او، همچنین همه رفقای حزبی از صمیم قلب تسلیت می‌گوئیم.

متن مطلب همه جا، "هشتمین کنگره حزب کمونیست چین" آمده است که بدینوسیله با پوزش از خوانندگان ارجحند به "سیزدهمین کنگره حزب کمونیست چین" تصحیح میشود.

تصحیح و پوزش

در صفحه ۸ شماره ۱۸۰ در خبر مربوط به برگزاری کنگره اخیر حزب کمونیست چین، در تیترو در

يك شب - پرنده‌ها

يك شب
پرنده‌های کوچک ما رفتند
وقتی که آمدیم نبودند در قفس
پروازشان حضور قفس را
آشفته کرده بود
و کشته بود آن را
و ما که آمدیم نبودند.
تنها
پرها و میله‌ها.
گفتند: "بی دلیل برآشفتند
از آب و دانه تا هوا و نفس
حتی
گاهی بیباغ سبز درآورده شد قفس
و می توانستند
آنها بیاس بند بخوانند بیش و پس
آوایشان اگر چه غم انگیز..."
- "اما پرنده‌ها
خواندند بی صدا
پروازهای گمشده شان را
و آنگاه
پرهای خویش را
سنگین و سمناک
در مرگجای سنگ رها کردند."
(گفتند میله‌ها)
- "آوازهای گمشده آنها
جاری ست در هوا
باورنکرده بود کسی حرف باد را
ورنه..."
(پرهای سرخ ریخته گفتند بی صدا)

آری
پرنده‌های کوچک ما رفتند
وقتی که آمدیم نبودند در قفس
جلال سرفراز مهر ۶۶

جشنهای

چهل و ششمین سالگرد حزب

سازمانهای حزبی در کشورهای گوناگون چهل و ششمین سالگرد بنیادگذاری حزب را جشن گرفتند.

در مراسم مختلفی، که برگزار شد، اعضا و هواداران و نیز دوستداران حزب، از میان نیروهای انقلابی میهنان و نیروهای مترقی دیگر کشورها، شرکت پرشور داشتند. همچنین در داخل کشور، رفقای حزبی، به رغم اختفائی که رژیم بر کشور حاکم کرده است، در محافل کوچک خود به بزرگداشت حزب پرداختند و هسته‌های حزبی به همین مناسبت فعالیت تبلیغاتی خود را سازمان دادند. در این زمینه تا کنون پیامهای متعدد و گزارشهای گوناگونی به دفتر "نامه مردم" رسیده است که با تشکر از رفقا، بعلت کمبود جا از انعکاس آنها خودداری و به همین توضیح کوتاه بسنده می‌کنیم.

پیکار مستمر در راه وحدت عمل کلیه مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی يك وظیفه انقلابی است!

گامی تاریخی

چنانکه در شماره ۱۷۶ "نامه مردم" خبر دادیم، در روز ۷ اکتبر امسال رفیق کوتلو، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه، و رفیق فقید بوران، صدر حزب کارگر ترکیه، در کنفرانس مطبوعاتی در بروکسل وحدت میان دو حزب را در "حزب کمونیست متحد ترکیه" اعلام داشتند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه در نامه ای به کمیته مرکزی حزب توده ایران جزئیاتی از این روند وحدت و هدفهای آنرا به آگاهی حزب رسانده است.

حزب کمونیست ترکیه از جمله یادآور می شود، که کنگره پنجم حزب در سال ۱۹۸۲ نخستین بار تصمیم گرفت، تا کام به کام شرایط وحدت میان دو حزب فراهم آید. این وحدت بر پایه پیش نویس برنامه ای تحقق یافت، که متن آن در کنفرانس مطبوعاتی در اختیار عموم قرار گرفت و اکنون در سازمانهای حزبی درباره آن بحث می شود. بنوشته "حزب کمونیست ترکیه، کنگره ششم ما، که بزودی برگزار خواهد شد، مسئله وحدت را به انجام خواهد رساند".

در این نامه می خوانیم:

"پیش نویس برنامه حزب کمونیست متحد ترکیه، که وحدت حزب، بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری، بر آن استوار است، پاسخگوی مسائل میرم دوران ماست. (این برنامه) شیوه های سیاسی جدید را جمع بندی می کند، ادامه کاری اصول مشترک دو حزب را بیان می دارد و نوسازی جهت گیری استراتژیک ما را در بر می گیرد. در پیش نویس برنامه مشی استراتژیک حزب نگهداشت صلح، نجات ترکیه از ایفای نقش حربه سیاست روبروایی جویی امپریالیسم ایالات متحده و دستیابی به دمکراسی توصیف شده است."

در اعلامیه مطبوعاتی ۷ اکتبر دو حزب درباره پیش نویس برنامه آمده است:

"مسئله دمکراسی در پیش نویس برنامه نقش کلیدی دارد. ما (در آن) راه حل دمکراتیکی را در چارچوب سرمایه داری مطرح می کنیم. به اعتقاد ما، نمی توان بدون پاسداری از دمکراسی و تقویت آن راه سوسیالیسم را پیمود. به سوسیالیسم تنها از راه دمکراسی می توان رسید..."

نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه به تاریخچه فعالیت حزب کمونیست ترکیه و حزب کارگر ترکیه می پردازد و خاطر نشان می سازد:

"حزب کمونیست ترکیه، که مجبور بوده است بیش از ۶۰ سال در شرایط غیر قانونی بزمزد، و حزب کارگر ترکیه، که زندگی قانونی آن در سال ۱۹۶۱ آغاز شد، نخست بعنوان دو حزب انقلابی طبقه کارگر جداگانه به فعالیت پرداختند. پس از کودتای نظامی ۱۹۸۰ فعالیت حزب کارگر ترکیه ممنوع اعلام شد و مقامات نظامی رهبران آنرا به دادگاه کشاندند و از ب. بوران، صدر ۷۷ ساله حزب، سلب تابعیت کردند."

جامعه عرب رژیم تهران را محکوم کرد

"کنفرانس امان" همچنین از همه کشورها خواست تا از هرگونه اقدامی که به تشدید و گسترش درگیری هفت ساله بیانجامد، پرهیز کنند.

در زمینه مسئله خاورمیانه، کشورهای عضو "جامعه عرب" به اتفاق آرا پشتیبانی کامل خود را از "حتموق مشروع خلق فلسطین" اعلام داشتند و خواستار فراخواندن کنفرانس های بین المللی درباره خاور میانه به سرپرستی سازمان ملل شدند. بنظر این کشورها، در کنفرانس نامبرده باید فزون بر پنج عضو دائمی شورای امنیت، همه کشورهای ذینفع و "سازمان آزادی بخش فلسطین"، بعنوان تنها نماینده راستین خلق فلسطین، شرکت یابند.

ناظران سیاسی نتایج "کنفرانس امان" را نشانه وحدت و همبستگی بیشتر میان کشورهای عرب ارزیابی کردند.



روز چهارشنبه یازده نوامبر کنفرانس فوق العاده سران کشورهای "جامعه عرب" پس از چهار روز مذاکره در امان، پایتخت اردن، پایان یافت. در این کنفرانس برای نخستین بار پس از کنفرانس فاس سال ۱۹۸۲ در مراکش، همه اعضا "جامعه عرب" - (۲۱ کشور) سازمان آزادیبخش فلسطین - شرکت کردند.

از مهمترین مسائلی دستور جلسه "کنفرانس امان" جنگ ایران و عراق و اوضاع خاورمیانه بود.

کشورهای "جامعه عرب" طی بیانیه ای ایران را به خاطر "اشغال اراضی عراق و تجاوز علیه کشورهای عربی خلیج" محکوم کردند. آنها از "تهران" شناسائی قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد را خواستار شدند و ایران و عراق را فراخواندند، تا به آتش بس فوری تن دردهند و نیروهای خود را به مرزهای بین المللی بازگردانند.

حزب کمونیست ترکیه معتقد است، که "وحدت حزب کمونیست ترکیه و حزب کارگر ترکیه در یک حزب واحد، از نقطه نظر وحدت جنبش کمونیستی ترکیه، دارای اهمیتی تاریخی است و گامی بسوی اتحاد احزاب، جنبش ها و نیروهای چپ بشمار می رود و بر امکان هم پیمانی های دمکراتیک گسترده تر خواهد افزود."

بگفته رفقا کوتلو و بوران:

"حزب ما، حزبی سکتاریست و انزواطلب نخواهد بود. ما نه داعیه آنرا داریم، که تنها نمایندگان طبقه کارگر هستیم و نه حقیقت گویی را حق انحصاری خود می دانیم. ما همیشه نظرات دیگر نیروهای سیاسی، روشنفکران و زحمتکشان را برای خود سودمند خواهیم شمرد... ما خواهان بحث زنده هستیم. دمکراسی یکی از موازین گسست ناپذیر زندگی درون حزبی ما خواهد بود. ما همیشه از تبادل نظر سازنده با دیگر نیروها پشتیبانی خواهیم کرد. آنچه کشور ما بدان نیاز دارد فرهنگ سیاسی متحدی در زمینه مباحثه و فرهنگ نوین دمکراسی است."

پس از کنفرانس مطبوعاتی بروکسل و انتشار پیش نویس برنامه "حزب کمونیست متحد ترکیه، گروهک لندن نشین "ضدای کارگر" نام خود را به "حزب کمونیست ترکیه" تغییر داد. بنا به اطلاع حزب کمونیست ترکیه، این گروهک هیچگونه ارتباطی با حزب جدید ندارد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران بلافاصله پس از کنفرانس مطبوعاتی مشترک حزب کمونیست ترکیه و حزب کارگر ترکیه این گام بزرگ در روند وحدت خجسته جنبش کمونیستی در کشور همسایه را به دو حزب برادر شادباش گفت و موفقیت حزب کمونیست متحد ترکیه را در مبارزه در راه دمکراسی و سوسیالیسم خواستار شد.

میهن پرستان سوری را آزاد کنید

بنا به اطلاعاتی، که حزب کمونیست سوریه در اختیار ما گذاشته است، چندین تن از میهن دوستان این کشور، که بیش از دو سال پیش به اسارت مقامات اسرائیلی در آمده بودند، اکنون به حبس های دراز مدت محکوم شده اند. "جرم" این مبارزان مقاومت در برابر اشغالگران صهیونیستی، خودداری از دریافت شناسنامه اسرائیلی در منطقه اشغالی "بلندیهای جولان" و اصرار بر هویت سوری خود بوده است. در میان دستگیر شدگان رهبران جنبش کارگری سوریه نیز هستند، که از جمله، در سال ۱۹۸۵ اعتصاب همگانی شش ماهه را در مناطق اشغالی سازمان دادند.

برای نمونه، حسین ابوزید، صدقی سلیمان المکت، بشیر سلیمان المکت، نمیر الولی و عاصم محمود الولی، هر یک به ۲۷ سال زندان محکوم شده اند. محکومیت ۱۹ مبارز دیگر بین سه تا پانزده سال است.

ما این نقش خشن موازین بین المللی و حقوق انسانی را از جانب اشغالگران اسرائیلی بشدت محکوم می کنیم و آزادی بیدرتگ میهن پرستان سوری را از اسارتگاه های اسرائیل خواستاریم.

کمک مالی به حزب توده ایران
يك وظیفه انقلابی است

NAMEH
MARDOM
NO: 181

آدرس پستی:
P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

17.11.1987

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است